



2

Vol. 12
Summer 2026

Research Paper

Received:
2026/12/13
Revised:
2026/08/31
Accepted:
2026/08/31
Published:
2026/08/31
P.P: 35-57ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 3092-7765

State Studies of Contemporary Iran

Explaining and analyzing green activism strategies in multi-level and centralized political systems in Europe and the Islamic Republic of Iran

Mohammad Yousefi Joybari *¹ | Said Ebrahimionor bighlo ²

Abstract

This research, using a comparative and qualitative approach, examines the impact of political structure on the form, discourse, strategies, and level of effectiveness of environmental activism (green activism). The present study examines two distinct governance contexts: An institutionalized context with an open political opportunity structure (case study: the European Union) and a context with highly centralized governance that limits the space for independent civil society (case study: a centralized state). Research findings show that in an institutionalized context, green activism operates in an interactive and multi-voiced ecosystem. In this space, the radical discourse of street social movements, the technocratic discourse of transnational institutions, and the state-building discourse of green parties within the power structure, in a dialectical interaction, constitute the process of "securitization" of the environment. And they advance its transformation into a major political priority and provide the possibility of influencing through various institutional, legal, media, and electoral channels. In contrast, in the context of limited activity of associations and public organizations, the institution has led activists towards adaptive strategies. It leads to low-risk and non-confrontational. In this model, activism is largely confined to scientific or indigenous acceptance discourse. It focuses on local and objective issues and lacks effective institutional connections to the country's macro-centers of environmental decision-making and governance. As a result, its impact on macro development policies remains limited and cannot be effective in the country's comprehensive sustainable development policies.

Keywords: Green activism, political system, civil society, governance, environmentalism, non-governmental organizations.

1. Corresponding Author: Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Law, Theology, and Political Science, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. Email: keanoshpayfar@gmail.com
2. PhD Student in International Relations, Faculty of Law, Theology, and Political Science, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Cite this Paper: Yousefijoybari, M; Ebrahimionor bighlo, S (2026). Explaining and analyzing green activism strategies in multi-level and centralized political systems in Europe and the Islamic Republic of Iran. *State Studies of Contemporary Iran*, 2(12), 35–57. Doi: 10.47176/irsj.2026.1472

Publisher: Imam Hussein University

© Authors

This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0).



تبیین و تحلیل راهبردهای کنشگری سبز در نظام‌های سیاسی چندسطحی و متمرکز در اروپا و جمهوری اسلامی ایران

محمد یوسفی جویباری^{۱*} | سعید ابراهیمی انور بیگلو^۲

چکیده

این پژوهش با رویکردی تطبیقی و کیفی، به واکاوی تأثیر ساختار سیاسی بر شکل، گفتمان، راهبردها و میزان تأثیرگذاری کنشگری زیست‌محیطی (کنشگری سبز) می‌پردازد. مطالعه حاضر دو بستر حاکمیتی متمایز را مورد بررسی قرار می‌دهد: یک بستر نهادی‌شده با ساختار فرصت سیاسی گشوده (نمونه موردی: اتحادیه اروپا) و یک بستر با حاکمیت بسیار متمرکز و محدودکننده فضای جامعه مدنی مستقل (نمونه موردی: یک دولت متمرکز). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در بستر نهادی‌شده، کنشگری سبز در یک اکوسیستم تعاملی و چندصدای عمل می‌کند. در این فضا، گفتمان رادیکال جنبش‌های اجتماعی خیابانی، گفتمان تکنوکراتیک نهادهای فراملی و گفتمان دولت‌ساز احزاب سبز درون ساختار قدرت، در تعاملی دیالکتیکی، فرایند «امنیتی‌سازی» محیط زیست و تبدیل آن به اولویت سیاسی کلان را پیش برده و امکان تأثیرگذاری از مجراهای متنوع نهادی، قانونی، رسانه‌ای و انتخاباتی را فراهم می‌آورند. در مقابل، در بستر فعالیت‌های انجمن‌ها و تشکلهای مردم-نهاد، کنشگران را به سمت راهبردهای انطباقی، کم‌ریسک و کم‌رمق سوق می‌دهد. در این الگو، کنشگری عمدتاً در گفتمان علمی یا مقبولیت‌ساز بومی محدود شده، بر مسائل محلی و عینی متمرکز می‌شود و فاقد اتصال نهادی مؤثر به مراکز کلان تصمیم‌گیری و حکمرانی زیست‌محیطی جمهوری اسلامی ایران است. در نتیجه، تأثیرگذاری آن بر سیاست‌های کلان توسعه، محدود باقی می‌ماند و نمی‌تواند در سیاست‌های توسعه پایدار همه جانبه کشور مؤثر واقع شود.

کلیدواژه‌ها: کنشگری سبز، نظام سیاسی، جامعه مدنی، حکمرانی، محیط زیست گرای، تشکلهای مردم نهاد.

۱. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد تبریز،

Email: keanoshpayfar@gmail.com

دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

استناد: یوسفی جویباری، محمد؛ ابراهیمی انور بیگلو، سعید؛ (۱۴۰۵). تبیین و تحلیل راهبردهای کنشگری سبز در نظام‌های

سیاسی چندسطحی و متمرکز در اروپا و جمهوری اسلامی ایران، **دولت پژوهی ایران معاصر**، ۲ (۱۲)، ۵۷-۳۵.

Doi: 10.47176/irsj.2026.1472



مقدمه و بیان مسئله

یکی از خصوصیات مهم جهانی شدن و تلاش‌های جهانی برای تدبیر و اداره مسائل ناشی از آن یعنی تدبیر جهانی امور تعدد کنشگران دخیل در آن و به طور خاص نقش قابل توجه کنشگرانی است که ستاً در عرصه بین‌المللی مهم محسوب نمی‌شدند. این مسأله را می‌توان در عرصه سیاست جهانی محیط زیست ملاحظه کرد (Roberts 2007:18). به طور تاریخی اکثر مشکلات زیست-محیطی در قلمرو محلی بودند و بنابراین نیازی به توجه بین‌المللی و جهانی نداشتند. اما به تدریج بعضی از انواع آلودگی‌ها که مدت‌ها محلی تلقی می‌شدند به عنوان مشکلاتی درک شدند که ورای مرزهای کشورها را در بر می‌گیرند و نیازمند همکاری بین‌المللی هستند (Esty and Mendelsohn 1998: 255-256). با ظهور تهدیدات و مشکلاتی در خصوص محیط زیست جهانی، حل این مسأله به عرفی عمده در منافع سیاسی و عمومی تبدیل شده است. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ انگاره محیط زیست جهانی قوت گرفت و با ظهور مشکلات زیست محیطی جهانی مثل از میان رفتن تنوع زیستی، گرم شدن زمین و تخریب لایه ازن، که عرصه جهانی را در بر می‌گیرند اما لزوماً خاستگاه جهانی ندارند، انگاره محیط زیست جهانی تکمیل شد (Barry 1999: 25). مسائل جهانی زیست محیطی با اقدامات یکجانبه دولت‌ها برطرف نمی‌شود. مجموعه‌ای از تدابیر جهانی و بین‌المللی امور برای نشان دادن مشکلات فرامرزی زیست محیطی از دهه‌های گذشته رشد پیدا کرده‌اند (O'Neill 2009: 24). در این میان تعدادی از محققین و سیاست‌گذاران اظهار می‌کنند که سازمان‌های بین‌المللی غیرحکومتی و جنبش‌های فراملی اجتماعی به عنوان نیروی قدرتمند جدیدی در عرصه سیاست بین‌الملل ظهور یافته‌اند که اعمال و هنجارهای جهانی را تغییر می‌دهند. دیگران به این کنشگران غیردولتی به عنوان منبع مخالفت از پایین نگاه می‌کنند که اقتدار و اعمال دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی را به چالش می‌کشند و به پارامترهای تدبیر جهانی امور شکل می‌دهند (Khagram, Riker and Sikkink 2002: 4). در واقع طیفی از کنشگران گوناگون همچون دولت‌ها، سازمان ملل، اتحادیه اروپا، سازمان‌های غیرحکومتی، جنبش‌های اجتماعی، اجتماعات علمی، دانشمندان علوم مرتبط و شرکت‌های چندملیتی در تلاش‌هایی برای برطرف کردن مشکلات زیست محیطی درگیر هستند (مشیرزاده و هاشمی، ۱۳۹۲: ۲۰۰).

اگرچه نقش کنشگران غیردولتی و جنبش‌های اجتماعی در سیاست‌گذاری زیست‌محیطی در سطح جهانی به‌طور فزاینده‌ای به رسمیت شناخته شده، اما ظرفیت، شیوه‌های عمل و میزان تأثیرگذاری این کنشگران به شدت تحت تأثیر بسترهای سیاسی، حقوقی و اجتماعی خاص هر کشور یا منطقه است. درحالی‌که در فضای چندسطحی اتحادیه اروپا، جنبش‌های سبز توانسته‌اند از طریق مسیرهای نهادی (مانند لابی‌گری، مشارکت در احزاب، دادخواهی قضایی) و فرانهادی (مانند کمپین‌های عمومی و نافرمانی مدنی) به شکل قابل توجهی گفتمان و سیاست‌های کلان را متحول کنند، در بستی مانند ایران، که در آن حاکمیت دولت مرکزی نقشی تعیین‌کننده دارد و فضای جامعه مدنی با محدودیت‌های ساختاری مواجه است، اشکال، استراتژی‌ها و دامنه تأثیر کنشگری زیست‌محیطی متفاوت و عموماً محدودتر است. این تفاوت بنیادین در بستر کنشگری، لزوم یک مطالعه تطبیقی نظام‌مند را برای درک عمیق‌تر رابطه میان جامعه مدنی، حکومت و سیاست زیست‌محیطی آشکار می‌سازد. با جهانی‌شدن گفتمان محیط‌زیست و فوریت‌های اقلیمی، فشارهای بین‌المللی و انتظارات هنجاری برای مشارکت جامعه مدنی در حکمرانی سبز افزایش یافته است. بر این اساس، این پژوهش به جای پرداختن صرف به نقش جنبش‌های اجتماعی در سیاست زیست‌محیطی به صورت کلی، با رویکردی تطبیقی به واکاوی این مسئله می‌پردازد که ساختار قدرت و فضای سیاسی حاکم چگونه «امکان» کنشگری زیست‌محیطی را تعریف و محدودده «تأثیرگذاری» آن را معین می‌کند؟ به بیان دقیق‌تر، سؤال اصلی این است: چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در الگوهای کنشگری سبز (شامل اشکال سازمانی، راهبردها، گفتمان‌ها و اتحادها) بین فضای نسبتاً باز و نهادی‌شده جامعه مدنی اروپا و فضای متأثر از حاکمیت متمرکز دولت در ایران وجود دارد؟ و این تفاوت‌ها چه پیامدهایی برای اثرگذاری بر سیاست‌ها و حل بحران‌های زیست‌محیطی در هر دو بستر داشته است؟ پاسخ به این پرسش‌ها نه تنها درک ما را از دینامیک سیاست زیست‌محیطی در دو نظام سیاسی متمایز عمق می‌بخشد، بلکه می‌تواند چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی کنشگری مؤثر زیست‌محیطی در بافت‌های غیرلیبرال را نیز روشن کند.

پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیقات زیادی در مورد مسائل زیست‌محیطی و جنبش‌های زیست‌محیطی انجام شده است. پژوهش‌های مختلفی بر ابعاد و زوایای مختلف مسایل زیست‌محیطی متمرکزند، رویکرد بدیع و نوآوری در این پژوهش تمرکز بر کنشگری سبز در نظام‌های سیاسی به ویژه در اروپا با توجه به تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جدید است، مساله‌ای که به رغم اهمیتش مورد بررسی قرار نگرفته است. بررسی عملکرد انجمن‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی در اروپا و ایران نیز از دیگر نکات بدیع در این مقاله است. در زیر از جمله مهمترین مطالعات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

علیزاده و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان مشارکت نهادهای غیردولتی در ایجاد و اجرای حقوق محیط‌زیست اتحادیه اروپا، به بررسی مشارکت بازیگران غیردولتی در مسائل زیست‌محیطی و حق دسترسی آنها به عدالت زیست‌محیطی در حقوق اتحادیه اروپا در پرتو کنوانسیون بین‌المللی آرهوس و آرای قضایی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا پرداخته‌اند. نتایج آنها نشان می‌دهد که برای رسیدن به این اهداف، اتحادیه اروپا به بازنگری در برخی مقررات و دستورالعمل‌های خود از طریق اقدام هماهنگ نهادهای مسئول و نیز اصلاح قوانین داخلی توسط دولت‌های عضو نیاز دارد. میرحسینی و خامسی‌پور (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان قانون حاکم بر دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در حقوق اتحادیه اروپا و ایران، ابتدا قواعد تعیین قانون حاکم بر مسئولیت نشأت گرفته از خسارت زیست‌محیطی در مقررات روم دو و نیز جدیدترین تحولات صورت گرفته در آن را با رویکرد تطبیقی مطالعه کرده و سپس به بررسی مبانی مربوطه پرداخته و در نهایت در چارچوب حقوق داخلی ایران و در مقایسه با مقررات روم دو مورد تبیین قرار داده‌اند. سلیمان‌پور عمران و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای تحت عنوان جهانی‌شدن، سیاست و سواد زیست‌محیطی، به بررسی نظریه‌های زیست‌محیطی با رویکرد سیاست و جهانی‌شدن پرداخته‌اند. سیمبر و رفیعی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان ماهیت جنبش‌های زیست‌محیطی در قلمرو اتحادیه اروپا، به این نتیجه رسیده‌اند که جنبش‌های اجتماعی زیست‌محیطی در جوامع اروپایی از

طریق تأثیرگذاری بر فرایند مذاکرات بر سیاست‌های زیست‌محیطی اتحادیه اروپا در جهت گسترش قواعد زیست‌محیطی اثرگذار بوده‌اند.

کشاوری و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان ارزیابی تأثیر رسانه‌های مختلف بر میزان مشارکت در جنبش‌های محیط‌زیستی: مورد جنبش رفتگران طبیعت ایران، به دنبال بسط ادبیات جنبش‌های اجتماعی بوده‌اند و اثرات متغیرهای مستقل را بر میزان و نوع مشارکت افراد مورد ارزیابی قرار داده‌اند.

عسکر جلالیان و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با نام چالش‌های حقوق کیفری بین‌المللی در مبارزه با جرایم زیست‌محیطی، به چالش‌های پیش روی گسترش عدالت کیفری در رسیدگی به جرایم زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل کیفری پرداخته‌اند.

نتیجه مطالعات تاکاشی (۲۰۱۴) با عنوان مقدمه‌ای بر مسائل خاص کیفیت زندگی و محیط‌زیست گرایی در آسه‌آن، نشان می‌دهد که در کشورهای عضو این سازمان به طور یکنواخت، ارزش‌های معطوف به حفظ محیط‌زیست رو به افزایش است و کم‌توجهی به این ارزش‌ها به طور جدی سرزنش می‌شود.

مطالعه برلینتس و فرناندز (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که مشارکت شهروندان در قالب نهادهای مدنی یا به شکل مستقیم‌تر در قالب جنبش‌های اجتماعی می‌تواند بر اصلاحات نهادی مرتبط با ارتقای کیفیت زندگی و کاهش فساد مؤثر باشد.

دل (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای با عنوان محیط‌زیست‌گرایی مشارکتی موج چهارم، با استناد به مطالعات انجام شده به این باور می‌رسد که حراست از محیط‌زیست در آمریکا نیازمند بازتقویت مشارکت دموکراتیک نهادها، جنبش‌ها و فعالان محیط‌زیستی است. مطالعات کمی او نشان می‌دهد که موفقیت سبزه‌ها در انتخابات و جلب توجه افکار عمومی می‌تواند در توسعه پایدار متعهد به محیط‌زیست در آمریکا مؤثر باشد.

مطالعات زینیل و بردلی (۲۰۱۸) در انگلستان نشان می‌دهد که فعالیت‌های گروه‌ها و جنبش‌های رایکالی محیط‌زیستی بر جهت دادن مشاغل و کارخانه‌های تولیدی به تولیدات سازگار با حفظ محیط‌زیست بسیار تأثیرگذار بوده است.

مطالعه کلمنتز (۲۰۱۲) با عنوان مبانی جامعه‌شناختی و نگرش محیط‌زیست‌گرایی در بریتانیا، نشان می‌دهد که استفاده جنبش سبزها از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی و بسیج هواداران در سطوح ملی و امروزه جهانی سبب شده که حضور آنها در قدرت سیاسی و حاکمیتی بیشتر شود.

سیف الهی و همکاران (۱۴۰۲)، در مقاله بررسی تأثیر جهت‌گیری زیست محیطی و بسته‌بندی سبز بر سرمایه اجتماعی، نشان دادند که متغیر جهت‌گیری زیست محیطی بر سرمایه اجتماعی تأثیر معنادار دارد اما متغیر بسته‌بندی سبز بر سرمایه اجتماعی تأثیر معنادار ندارد.

صادقی و همکاران (۱۴۰۱)، در مقاله حکمرانی محیط‌زیست و کارآمدی دولت در ایران نشان می‌دهند که محیط‌زیست ایران، پیچیده، چندبعدی و با ریسک بالا است. از این رهگذر محیط‌زیست، با سیاست به‌طور اعم و با کارآمدی دولت به‌طور اخص پیوند نزدیکی دارد و فقدان حکمرانی فعال در این حوزه می‌تواند کارآمدی دولت را تحت تأثیر قرار دهد.

شکاری و همکاران (۱۴۰۲)، در مقاله تحلیلی بر ضرورت تدوین قوانین و مقررات بازدارنده تخریب محیط‌زیست نشان داده‌اند در ایران که قوانین و مقررات محیط‌زیستی به دلایلی از جمله قدیمی و به‌روز نبودن قوانین، نبود قانون کامل و جامع، عدم استفاده کامل از ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، عدم جرم‌انگاری برخی از رفتارها و... بازدارندگی لازم را جهت جلوگیری از تخریب محیط‌زیست ندارد، فلذا ضروری به نظر می‌رسد ملغی کردن قوانین کهنه و ناکارآمد، متناسب نمودن مجازات با جرایم، تخصیصی شدن رسیدگی‌ها، استفاده کامل از ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، به‌کارگیری ابزار بروز مانند کواد کوپتر جهت نظارت بر عرصه منابع طبیعی، استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس در جرایم سبک، باید مورد توجه مقنن باشد. همچنین جامع و کامل شدن قوانین که منجر به ایجاد سیاست جنایی قضایی هماهنگ و واحد بین محاکم قضایی شود، ضروری است.

چهار چوب نظری

در بحث چهارچوب نظری ابتدا خودِ موضوع چيستی اعتراض و جنبش‌های اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و در ادامه به مفهوم کنشگری در قرن بیست و یکم و مسائل مرتبط با آن پرداخته می‌شود. در پایان این بخش نقش جنبش‌های اجتماعی در سیاست‌های زیست‌محیطی از دیدگاه نظریات مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جنبش‌های اجتماعی

جنبش اجتماعی شکلی از اعتراض گروهی است که از سویی تا حدی از سازماندهی رسمی برخوردار است و از سوی دیگر تعداد اعضای آن بیشتر است. در نتیجه هرچه اعضای یک اعتراض گروهی بیشتر باشد، به مفهوم جنبش اجتماعی نزدیک‌تر می‌شود (Opp, 2009). صاحب‌نظران معتقدند که بیشتر تعاریف جنبش اجتماعی حاوی عناصر زیر است: اهداف یا مقاصدی که باید اجرا شوند، بعد سازمانی، درجه تداوم موقت، گسترش فعالیت نهادی-لابی کریف اقدامات سیاسی و فرانهادی یعنی تظاهرات (Snow & Oliver, 1995). مطالعه‌ای دقیق درباره اعتراضات اجتماعی از قبیل طومارها، تظاهرات، تحریم از سوی مصرف‌کنندگان، اهمیت زیادی را که آنها طی دهه ۱۹۸۰ به دست آوردند و اینکه چگونه امروزه نمایانگر ساز و کار مهم بسیج سیاسی هستند را برجسته می‌کند. بارنز و کاز پنج معیار را برای شناسایی کنشگری اعتراضی توصیف می‌کنند؛ امضای طومارها، حضور در تظاهرات قانونی، استفاده از حق اعتصاب و اشغال کارخانه‌ها یا ساختمان‌ها (Barnes & Kaase, 1979). اعتراض صلح‌جویانه به شکلی گسترده به منزله شکلی از اظهارنظر سیاسی با هدف اصلاح قوانین، تدبیرگذاری بر فرایندهای سیاسی و بازنگری در الگوهای رفتار اجتماعی پذیرفته شده است. ریشه‌های آن را می‌توانیم در فلسفه و گفتار گاندی یا در جنبش حقوق مدنی آمریکا (۱۹۵۰-۱۹۷۰) بیابیم. در جوامع پسا صنعتی، اعتراض‌ها نه تنها در میان دانشجویان و نسل‌های جوان‌تر روی داد، بلکه بخش‌های میانسال جمعیت، متخصصان دارای تحصیلات دانشگاهی را نیز در بر گرفت.

کنشگری در قرن بیست و یکم

جنبش زیست‌محیطی در دهه ۱۹۹۰ نشانگر آغاز عصر جدیدی برای مشارکت مدنی است. این جنبش با تظاهرات جمعی و اعتراض‌هایی که با نشست‌ها یا گردهمایی‌ها همزمان شده بود، جایی که رهبران جهان در مورد مسائل «سبز» بحث و مذاکره کردند و به توافق رسیدند، تداعی می‌شود. می‌توان به اعتراضات جهانی علیه نشست وزرای سازمان تجارت جهانی در سیاتل (۱۹۹۹) یا اقدامات مشابه اشاره نمود که جنگ در عراق را تقبیح می‌کردند. بهار عربی، ایندیگنادوس در مادرید، اشغال وال‌استریت در نیویورک، جنبش پنج‌ستاره در ایتالیا و شورش‌ها در مخالفت با اقدامات ریاضت‌طلبانه و قطع کمک به واسطه سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، بیانگر نسخه کنونی کنش مدنی است. گرچه هر کدام از این جنبش‌ها به علت‌های خاص واکنش نشان می‌دهند و ویژگی‌های مجزایی دارند و برخی از ویژگی‌های آنها نیز مشترک است، عناصر متحدکننده آنها را می‌توان از هم متمایز کرد. بیش از هر چیز، بیشتر این گروه‌ها متقاعد شده‌اند که شرکت‌های جهانی و رژیم‌های اقتصادی فراملی از سیاست‌ها و مقررات دولتی در مورد نیروی کار، محیط‌زیست، حقوق بشر و غیره گریخته‌اند و یک صحنه سیاسی فراتر از فرایندهای معمول قانون‌گذاری، انتخاباتی و مقرراتی شکل داده‌اند. گذشته از این، همه آنها از فناوری‌های جدید، اینترنت، به شیوه‌های گوناگون برای دستیابی به اهدافشان استفاده می‌کنند. بی‌تردید، ابزارهای جدید رسانه‌های اجتماعی کنشگری را از نوع ابداع کرده‌اند (رومرو، ۱۳۹۴: ۱۴۳).

نقش جنبش‌های اجتماعی در تدبیر سیاست‌های زیست‌محیطی

تدبیر و اداره امور جهانی مفهومی است که به مجموعه فرایندهای هنجاری، اجتماعی، حقوقی و نهادی اشاره دارد که تعامل میان جهانی‌شدن و تجزیه جهان را تنظیم و گاه کنترل می‌کنند (Clarke and Edwards 2004). تفاوت حکومت با تدبیر و اداره امور در این است که در اداره امور ظرفیت انجام امور بدون داشتن صلاحیت حقوقی برای انجام آنها وجود دارد. ویژگی مهم تدبیر و اداره امور این است که از یک سوم آماج قواعد آن را نه فقط دولت‌ها بلکه مجموعه‌ای از کنشگران متعدد تشکیل می‌دهند و از سوی دیگر، کنشگران متعددی در فرایند تصمیم‌گیری‌های منتهی به شکل‌گیری و اجرای قواعد دخیل هستند (Zurn 2004: 268-69). جنبش-

های اجتماعی نیز یکی از این کنشگران محسوب می‌شوند که به طرق مستقیم یا غیرمستقیم درصدد تأثیرگذاری بر تصمیمات و نیز اجرایی شدن آنها هستند تا از این طریق بتوانند تغییرات مورد نظر خود را ایجاد کنند. رابطه میان جنبش‌های اجتماعی و امور جهانی یکی از حوزه‌هایی است که نشان می‌دهد چرا تدبیر جهانی امور باعث شده حرکت به سمت مطالعات چندرشته‌ای تعمیق یابد. رویکردها و نظریات گوناگونی در خصوص کنشگران دخیل در امور جهانی وجود دارد. برای بسیاری از واقع‌گرایان و نولیبرال‌ها امور جهانی کم و بیش همان امور بین‌المللی با نقش محوری دولت‌هاست. مثلاً از دیدگاه واقع‌گرایان سنتی به ویژه واقع‌گرایان محافظه‌کار انگلیسی و آمریکایی دفاع از حاکمیت ملی نخستین هدف ملی است.

واقع‌گرایان تصدیق می‌کنند که جامعه مدنی و نیروهای بین‌المللی موجودند، اما فضایی را در تحلیل آنها در بر نمی‌گیرند. واقع‌گرایان ظهور نظامی از تدبیر جهانی امور را مد نظر دارند که به طور مؤثر با تهدیدات فراملی نظیر تروریسم و مشکلات فراگیر ارتباط دارد و در همین حال از امتیازهای مربوط به حاکمیت دولت‌های عضو حفاظت می‌کند. این رویکرد نقش انگاره‌ها، فرهنگ، نهادها و هنجارها را کمرنگ کرده و محدود می‌داند (Gvosdev 2005: 1593). این نظریه با کم‌اهمیت تلقی کردن کنشگران غیردولتی قادر به تحلیل بسیاری از جنبه‌های امور جهانی نیست. از دیدگاه نولیبرالیسم اداره امور جهانی عمدتاً محدود به مطالعه کارکرد سازمان‌های بین‌المللی است و به طور تحلیلی متمرکز بر منشورهای رسمی، تعهدات و معاهده‌هایی است که تعدیل آنارشی بین‌المللی را در نظر دارند (Coffin, 2002: 20). این رویکرد فرض می‌کند که معاهدات و نهادهای فراملی نظم بین‌المللی قانون محور را خلق می‌کنند که رضایتی در میان دولت‌ها در مورد اینکه چگونه باید جامعه بین‌المللی اداره شود، به وجود می‌آورد. سازه‌انگاران بر این نظرند که هنجارها و گفتمان‌ها در تدبیر قوانین و ساخت آنها به کار گرفته می‌شوند. برای سازه‌انگاران تدبیر جهانی امور مرکب از ساختارهای اجتماعی عمیق، هنجارها و دانش است. از نگاه سازه‌انگاری که خود را مقید به دولت‌محوری نمی‌کنند، نظام قوانین از فعالیت‌های پویا و فعالیت‌های متقابل کنشگران فراوانی در زمینه‌های متفاوت حاصل می‌شود (Hoffmann 2005: 115, 125). از این منظر، کنشگران غیرحکومتی مثل جنبش‌های اجتماعی از عناصر تأثیرگذار و مطرح در اداره جهانی امور هستند. آنها کارگزاری به دنبال ایجاد تغییر هستند که در عین حال، از منابع چندانی

هم برخوردار نیستند. منابع مادی آنها بسیار محدود است؛ با وجودی که از سازمان‌دهی برخوردارند، اما معمولاً ساختار سلسله‌مراتبی ندارند و از میان اشکال مختلف اعمال قدرت، به اقتناع متوسل می‌شوند. در واقع جنبش اجتماعی به عنوان تعامل در میان افراد، گروه‌ها، جمعیت‌ها، شبکه‌ها و سازمان‌هایی تعریف می‌شود که در یک هویت جمعی به منظور ایجاد و یا جلوگیری از تغییر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و رای نهادهای سیاسی موجود شریک هستند (Maiba 2005: 41,45). سیدنی تارو جنبش‌های اجتماعی فراملی را به عنوان گروه‌های بسیج‌شده اجتماعی که حداقل در دو کشور شکل گرفته‌اند تعریف می‌کند. این جنبش‌ها در فعل و انفعالات ستیزه‌جویانه مداوم با دارندگان قدرت یعنی علیه دولت، نهادهای بین‌المللی یا کنشگران اقتصادی چندملیتی درگیر شده‌اند. از دهه ۱۹۹۰ شاهد افزایش فعالیت جنبش‌های اجتماعی فراملی هستیم. در توضیح تأثیرگذاری جنبش‌های اجتماعی زیست‌محیطی عناصر همچون سازمان‌ها و سازماندهی، ساختار فرصت سیاسی، بسیج منابع، هویت، طرز فکر و گفتمان جنبش‌ها در نحوه فعالیت و عملکرد آنها نقش دارد. بنابراین قاعدتاً از میان نظریه‌های گوناگونی که در خصوص جنبش‌های اجتماعی وجود دارد به نظریه‌هایی اشاره می‌شود که دربردارنده چنین عناصری باشند و به طور مناسبی بتوانند نحوه فعالیت، ساز و کار و نتایج جنبش‌های فراملی زیست‌محیطی را توضیح دهند (مشیرزاده و هاشمی، ۱۳۹۲: ۲۰۴). چشم‌انداز بسیج منابع بر تحلیل فرایندهایی که از طریق آنها منابع برای فعالیت جمعی بسیج می‌شوند، متمرکز است. سازماندهی جنبش‌ها از این منظر نقش مهمی در توانایی آنها برای بسیج دارد (Smith and Fetner 2007: 30).

در سطح فراملی سازمان‌های جنبش فراملی با توسعه فعالیت متقابل فراملی و با ارتباط دادن فعالیت‌های محلی با مبارزات سیاسی جهانی و حوزه‌های سیاست‌گذاری از هویت و انسجام گروه که در بسیج فراملی نقش دارد حمایت می‌کنند. فعالیت متقابل فراملی درون سازمان‌های جنبش فراملی اجتماعی و جنبش‌های فراملی گسترده‌تر به فعالین اجازه می‌دهد زبان مشترکی در مبارزات، اهداف، راهکارهای فعالیت جمعی و نمادهای مشترک داشته باشند (Smith 2002: 514,520). در مجموع می‌توان گفت سازمان‌های جنبش اجتماعی از فنون مبارزاتی گوناگون استفاده می‌کنند و به بسیج منابع و مردم می‌پردازند. از طرف دیگر گفتمان جنبش زیست‌محیطی گفتمان مسلط اجتماعی و سیاسی را به چالش کشیده و از طریق خلق چارچوب‌ها و معانی جدید و فرایند اقتناع-

سازی به بسیج عمومی می‌پردازد و بر کنشگران دیگر نیز تأثیر می‌گذارد و از این طریق می‌تواند منجر به تغییر سیاست‌گذاری‌ها و قواعد تنظیمی و تکوینی و نیز رعایت قواعد و عدم سرپیچی از آنها شود. قواعد تنظیمی در شرایط تعریف‌شده رفتارهایی را تجویز یا منع می‌کنند و قواعد تکوینی اشکال جدید رفتار را خلق یا تعریف می‌نمایند. به این ترتیب جنبش‌های اجتماعی از طریق بسیج و با تکیه بر چارچوب‌بندی‌های خاص می‌کوشند با ایجاد هویت‌ها و رفتارهای جدید تغییرات موردنظر خود را پیش ببرند (مشیرزاده و هاشمی، ۱۳۹۲: ۲۰۵).

ضرورت مطالعات کنشگری زیست‌محیطی در اروپا و ایران

کنشگری زیست‌محیطی به‌عنوان پدیده‌ای جهانی، در مواجهه با ساختارهای سیاسی ملی، اشکال و نتایج متنوعی به خود می‌گیرد. در یک سوی این طیف، الگوی مشارکت‌جو و نهادی‌شده‌ای قرار دارد که در دموکراسی‌های چندحزبی با جامعه مدنی پویا مانند کشورهای عضو اتحادیه اروپا مشاهده می‌شود. در سوی دیگر، الگوی دیگری از مشارکت سیاسی و مردم‌سالاری دینی مانند جمهوری اسلامی ایران قرار دارد که مطالعه‌ای موردی ارزشمند برای فهم چگونگی عملکرد و بقای کنشگری سبز فراهم می‌آورد. در بستر اروپا، کنشگری سبز در یک اکوسیستم نسبتاً باز عمل می‌کند. وجود «ساختار فرصت سیاسی» گشوده شامل احزاب سبز تأثیرگذار، نهادهای فراگیر اتحادیه اروپا (کمیسیون، پارلمان، دیوان دادگستری)، قانون حمایت از NGO ها، و رسانه‌های مستقل، به کنشگران امکان می‌دهد از راهبردهای چندمسیره بهره ببرند. آنها همزمان می‌توانند بر گفتمان از طریق کمپین‌های عمومی تأثیر بگذارند، در فرایندهای قانون‌گذاری لابی کنند، از مسیر قضایی پیگیر حقوق محیط زیست باشند و با ورود به عرصه انتخابات، مستقیماً در توزیع قدرت شریک شوند. این پیوند ارگانیک بین جامعه مدنی، نهادهای حکومتی و بخش خصوصی، به سیاست‌گذاری زیست‌محیطی در اروپا خصلتی چندذینفعی و تعاملی بخشیده است. در ایران، حاکمیت دولت به‌عنوان بازیگر اصلی و قانونی است که فضا را برای کنشگری مستقل تعریف می‌کند. اما در عین حال و همراه با نظام سیاسی مردم‌سالار، انجمن‌ها و تشکل‌های مردم نهاد در زمینه‌های زیست‌محیطی فعالیت دارند.

تحلیل و ارزیابی کنشگری سبز در اروپا و ایران

الگوهای کنشگری و گفتمان در فضای جامعه مدنی اروپا

این بخش به تحلیل گفتمان اسناد کلیدی اتحادیه اروپا و جنبش‌های سبز می‌پردازد تا فرایند امنیتی‌سازی محیط زیست را در سپهر سیاسی اروپا واکاوی کند. رویکرد تحلیلی این بخش بر روش فرکلاف (۱۹۹۲) استوار است که در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین صورت می‌گیرد. داده‌های مورد تحلیل شامل بیانیه‌های منتشرشده توسط شبکه‌های فعال زیست‌محیطی همچون دوستان زمین اروپا و همچنین اسناد رسمی اتحادیه اروپا از جمله معاهده سبز اروپا (European Commission, 2019) و برنامه‌های عملیاتی آن می‌باشد. بر اساس مطالعات هاجر و موئل (۲۰۱۹) در زمینه گفتمان کاوی سیاسی، تحلیل حاضر به بررسی چگونگی بازنمایی بحران‌های زیست‌محیطی در قالب گفتمان‌های امنیتی می‌پردازد. در این راستا، همانطور که فرکلاف (۲۰۰۳) در تحلیل گفتمان انتقادی اشاره می‌کند، به ارتباط بین گفتمان و تغییرات اجتماعی توجه شده است. همچنین از چارچوب نظری بیکر و الس (۲۰۲۱) در زمینه تحلیل گفتمان در مطالعات اجتماعی بهره گرفته شده است. هدف این تحلیل، شناسایی راهبردهای زبانی است که از طریق آن‌ها مسائل زیست‌محیطی به دغدغه‌های امنیتی تبدیل شده و در نهایت به شکل‌گیری سیاست‌های عمومی نوین در سطح اتحادیه اروپا منجر شده‌اند. این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه گفتمان امنیتی‌ساز در اسناد مختلف، زمینه را برای اتخاذ اقدامات فوری و تعهدات بلندپروازانه زیست‌محیطی فراهم کرده است.

تحلیل گفتمان جنبش‌های اجتماعی زیست‌محیطی

تحلیل گفتمان بیانیه‌های شاخص جنبش‌هایی همچون «شورش علیه انقراض»^۱ و «صلح سبز»^۲ نشان‌دهنده به کارگیری نظام‌مند یک چارچوب گفتمانی «فاجعه‌آمیز-اخلاقی» است. در سطح توصیف، واژگانی با بار معنایی شدید مانند «فروپاشی اقلیمی»، «انقراض جمعی» و «خیانت به نسل‌های آینده» هسته اصلی این گفتمان را تشکیل می‌دهند (Lakoff, 2023). این گفتمان برای

1 Extinction Rebellion 2023

2 Greenpeace International, 2022

یک بسیج عمومی، شبیه به وضعیت جنگ، نشانگر تلاش برای ایجاد یک هویت جمعی جدید حول محور «نجات دهندگان بالقوه» در مقابل «نابودگران مسلم» است. در سطح تفسیر، این گفتمان به صورت ماهرانه‌ای یک دوگانگی اخلاقی ساده شده را بین «ما» (مردم، علم، آینده) و «آنان» (شرکت‌های سوخت فسیلی، سیاستمداران فاسد، نظام اقتصادی حاکم) ایجاد می‌کند (Mouffe, 2022). این تقابل، پیچیدگی‌های سیاسی و اقتصادی را به یک درام اخلاقی تقلیل می‌دهد که در آن هرگونه مصالحه یا کندی، هم‌دستی با «جنایت علیه بشریت» تعبیر می‌شود. استفاده مکرر از ضمیر «ما» در بیانیه‌هایی مانند «ما اینجا در کنار هم ایستاده‌ایم» (Friends of the Earth Europe, 2023)، سازوکاری برای ایجاد یک حس تعلق و مسئولیت مشترک فراملی است. این گفتمان، بحران زیست‌محیطی را از حیطه یک مسئله فنی خارج کرده و آن را به یک آزمون بزرگ اخلاقی برای تمدن بشری تبدیل می‌کند.

در سطح تبیین و با در نظر گرفتن بافت اجتماعی گسترده‌تر، می‌توان ادعا کرد که این گفتمان رادیکال، یک کارکرد استراتژیک حیاتی دارد: شکستن «حالت عادی» گفتمان سیاسی و ایجاد فضایی برای اقدامات جسورانه‌تر (Schlosberg & Coles, 2023). با ارائه روایتی از یک «فاجعه قریب‌الوقوع»، این جنبش‌ها در حال انجام یک «کنش گفتاری» برای تغییر چارچوب قابل قبول گفت‌وگو و سیاست‌گذاری هستند. موفقیت نسبی این گفتمان در جلب توجه رسانه‌ها و نفوذ به گفتمان جریان اصلی را می‌توان در پذیرش عمومی عباراتی مانند «اضطراب اقلیمی» مشاهده کرد. این جنبش‌ها، با تعریف بحران به عنوان یک مسئله امنیتی وجودی، نه تنها خواستار تغییر سیاست‌ها شده‌اند، بلکه خود را به عنوان کنشگران مشروع در عرصه حکمرانی جهانی معرفی کرده‌اند.

تحلیل مقایسه‌ای درون گفتمانی جنبش‌های اجتماعی زیست‌محیطی اروپا

تحلیل گفتمان مقایسه‌ای بین جنبش‌های رادیکال مانند «شورش علیه انقراض» و جنبش‌های اصلاح‌طلب‌تر مانند «دوستان زمین اروپا» نشان‌دهنده شکاف عمیق در «راهبردهای کنش جمعی» است. گفتمان شورش علیه انقراض بر «نافرمانی مدنی غیرخشونت‌آمیز به عنوان یک وظیفه اخلاقی» تأکید دارد، در حالی که دوستان زمین بر «فشار قانونی و لابی‌گری نهادی» به عنوان راهکار اصلی تمرکز می‌کنند (Doherty & Hayes, 2022). این تفاوت در «واژگان کنش»

نشان‌دهنده دو درک متفاوت از سیستم سیاسی حاکم است: یکی سیستم را ذاتاً ناتوان از اصلاح می‌داند و دیگری ظرفیت‌هایی برای تغییر درون‌سیستمی قائل است.

در سطح «بازنمایی زمان»، گفتمان این جنبش‌ها نیز به شدت متفاوت است. شورش علیه انقراض از گفتمان «فوریت قریب‌الوقوع» استفاده می‌کند که بر «فاجعه‌ای اجتناب‌ناپذیر در آینده‌ای بسیار نزدیک» تأکید دارد. در مقابل، جنبش‌هایی مانند جنبش «شهرهای در حال گذار» (Transition Network, 2022) از گفتمان «گذار تدریجی» بهره می‌برند که بر «ساخت تدریجی تاب‌آوری محلی» تمرکز دارد (Hopkins, 2023). این تفاوت در «زمان‌مندی گفتمانی» مستقیماً بر انواع راه‌حل‌های پیشنهادی و استراتژی‌های بسیج آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

از نظر «ساختار روایی»، جنبش‌های رادیکال از «روایت‌های فاجعه‌آمیز» استفاده می‌کنند که در آن تمدن بشری در آستانه فروپاشی قرار دارد. در مقابل، جنبش‌های میانه‌روتر از «روایت‌های امیدبخش» بهره می‌برند که بر «فرصت‌های ایجاد شده توسط بحران» برای ساختن جامعه‌ای بهتر تأکید می‌کنند (Moe, 2022). این تفاوت در روایت‌پردازی، مخاطبان متفاوتی را جذب می‌کند: روایت‌های فاجعه‌آمیز برای جوانان و فعالان تمام‌وقت جذابیت دارد، در حالی که روایت‌های امیدبخش برای شهروندان معمولی و نهادهای محلی دسترسی‌پذیرتر است.

در سطح «تعریف کنشگران»، جنبش صلح سبز خود را به عنوان «سپر محافظ زمین» در برابر شرکت‌های چندملیتی تعریف می‌کند، در حالی که جنبش کشاورزی زیستی «جامعه محلی» و «تولیدکنندگان کوچک» را به عنوان کنشگران اصلی تغییر معرفی می‌کند (IFOAM, 2023). این تفاوت در «هویت‌سازی گفتمانی» نشان‌دهنده تمرکزهای مختلف جغرافیایی و اقتصادی است: یکی بر مقیاس جهانی و مبارزه با شرکت‌های بزرگ تمرکز دارد و دیگری بر مقیاس محلی و حمایت از تولیدکنندگان خرد.

در نهایت، از نظر «راه‌حل‌پردازی»، جنبش‌های رادیکال خواستار «تغییر سیستمیک» و «گذار از سرمایه‌داری» هستند، در حالی که جنبش‌های اصلاح‌طلب بر «تنظیم‌گری دقیق‌تر» و «اصلاح سیستم از درون» تأکید می‌ورزند (Wahl, 2023). این تفاوت در «افق گفتمانی» نشان‌دهنده دو درک متفاوت از عمق بحران و میزان اصلاح‌پذیری سیستم موجود است. با این حال، همه این گفتمان‌ها در «نقد رشد اقتصادی نامحدود» اشتراک دارند، اگرچه راه‌حل‌های متفاوتی برای این مسئله ارائه می‌دهند.

تحلیل گفتمان نهادهای اتحادیه اروپا

تحلیل گفتمان اسناد کلیدی اتحادیه اروپا از جمله «معاهده سبز اروپا» (European Commission, 2019) و «برنامه اجرایی اقتصاد چرخشی» (European Parliament, 2021) نشان‌دهنده شکل‌گیری یک گفتمان «تکنوکراتیک-تبدیلی» است. در سطح توصیف، واژگانی مانند «انتقال عادلانه»، «توسعه پایدار» و «نوآوری سبز» جایگزین گفتمان فاجعه‌آمیز جنبش‌های اجتماعی شده است (Bäckstrand & Lövbrand, 2022). این گفتمان بر مفاهیمی مانند «رقابت پذیری سبز»، «فرصت‌های اقتصادی» و «تضمین امنیت انرژی» تأکید می‌ورزد که نشان‌دهنده تلاش برای آشتی دادن اهداف زیست‌محیطی با منطق اقتصادی مسلط است. استفاده از اصطلاحاتی مانند «اولین قاره خنثی از نظر اقلیمی» (European Commission, 2019) به‌وضوح بیانگر تلاش برای ایجاد هویتی جدید و پیشرو برای اتحادیه اروپا در صحنه جهانی است.

در سطح تفسیر، این گفتمان با ایجاد پیوند بین اهداف زیست‌محیطی و منافع اقتصادی، سعی در ایجاد یک اجماع گسترده دارد. به‌عنوان مثال، در سند «معاهده سبز اروپا» (European Commission, 2019)، بحران زیست‌محیطی نه به‌عنوان یک تهدید برای نظام اقتصادی موجود، بلکه به‌عنوان «بزرگترین فرصت نوآوری» معرفی می‌شود. این بازتعریف مسئله، راهبرد هوشمندانه‌ای برای جلب حمایت بازیگران اقتصادی قدرتمند و کاهش مقاومت در برابر تغییرات است (Meadowcroft, 2021). استفاده از افعال آینده‌نگر مانند «خواهیم ساخت»، «تحقق خواهیم داد» و «رهبری خواهیم کرد» بیانگر روایتی از آینده‌ای قطعی و مطلوب تحت هدایت اتحادیه اروپا است.

در سطح تبیین، این گفتمان در راستای تثبیت نقش اتحادیه اروپا به‌عنوان یک بازیگر جهانی پیشرو در حکمرانی زیست‌محیطی عمل می‌کند (Wettstad et al., 2022). این گفتمان با انتقاداتی نیز مواجه است؛ از جمله اینکه با تمرکز بر راه‌حل‌های تکنولوژیک و بازارمحور، از پرداختن به ریشه‌های سیستمیک بحران زیست‌محیطی طفره می‌رود (Koch, 2023). در نهایت، این گفتمان نشان‌دهنده نهادسازی یا نهادی‌شدن مطالبات جنبش‌های اجتماعی است، به‌این معنا که خواسته‌های رادیکال در قالب سیاست‌های عملی و قابل قبول برای نظام حاکم بازتعریف و جذب می‌شوند.

تحلیل درون‌گفتمانی نهادهای اتحادیه اروپا

تحلیل گفتمان بین نهادهای مختلف اتحادیه اروپا نشان‌دهنده تفاوت‌های قابل توجه در «اولویت‌بندی ارزشی» است. «کمیسیون اروپا» در گفتمان خود بر «رقابت‌پذیری اقتصادی سبز» و «رهبری فناوری» تأکید می‌ورزد، در حالی که «پارلمان اروپا» (European Parliament, 2023) بر «حقوق زیست‌محیطی شهروندان» و «عدالت بین‌نسلی» تمرکز دارد (Burns et al., 2023). این تفاوت بازتاب جایگاه نهادی متفاوت این دو نهاد است: یکی مسئول رشد اقتصادی و دیگری نماینده خواست‌های مردمی.

در سطح «چارچوب‌بندی مسئله»، شورای اروپا (European Council, 2023) بحران زیست‌محیطی را عمدتاً در چارچوب امنیت انرژی و تضمین دسترسی به منابع تعریف می‌کند، در حالی که کمیته اقتصادی و اجتماعی اروپا (EESC, 2022) آن را در چارچوب «معیشت پایدار» و «شغل‌های سبز» بازتعریف می‌کند (Wettstad et al., 2023). این تفاوت در «زمینه‌سازی گفتمانی» نشان‌دهنده اولویت‌های متفاوت نهادهای تخصصی اتحادیه اروپا است که هر یک از منظر مسئولیت‌های خاص خود به مسئله می‌نگرند.

از نظر «سطح عمل‌گری»، آژانس محیط زیست اروپا (EEA, 2023) از گفتمان «علم‌محور» و «داده‌بنیاد» استفاده می‌کند که بر «شواهد تجربی» و «مانیتورینگ دقیق» تأکید دارد. در مقابل، دیوان دادگستری اتحادیه اروپا (CJEU, 2022) از گفتمان «حقوقی-قضایی» بهره می‌برد که بر «تفسیر قوانین» و «الزام‌آوری تصمیمات» متمرکز است (Peeters et al., 2023). این تفاوت در «منطق گفتمانی» نشان‌دهنده تمایز بین نهادهای فنی-تخصصی و نهادهای نظارتی-قضایی در سیستم اتحادیه اروپا است.

در سطح «گستره سرزمینی»، کمیسیون اروپا از گفتمان «یکپارچگی بازار داخلی» استفاده می‌کند که بر «هماهنگی استانداردها» و «حذف موانع تجاری سبز» تأکید دارد، در حالی که کمیته مناطق (CoR, 2022) بر «تنوع منطقه‌ای» و «اختیارات محلی» در اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی پافشاری می‌کند (Bauer & Egeberg, 2023). این تفاوت در «مقیاس‌گرایی گفتمانی» نشان‌دهنده تقابل سنتی بین رویکرد فراملی و رویکرد منطقه‌ای در حکمرانی اروپایی است.

در نهایت، از نظر «راهبرد اجرا»، «بانک سرمایه گذاری اروپا» (EIB, 2023) از گفتمان «سرمایه گذاری خطرپذیر سبز» و «تأمین مالی نوآوری» استفاده می کند، در حالی که «دادگاه حسابرسان اروپا» (ECA, 2022) بر «پاسخگویی مالی» و «کارایی هزینه» در اجرای پروژه های زیست محیطی تأکید می ورزد (Gehring & Krapohl, 2023). این تفاوت در «معیارهای سنجش موفقیت» نشان دهنده تنش ذاتی بین اهداف بلندپروازانه زیست محیطی و ملاحظات عملی بودجه ای در سیستم حکمرانی اتحادیه اروپا است.

تحلیل گفتمان احزاب سیاسی سبز در ساختار قدرت اروپا

تحلیل گفتمان برنامه ها و بیانیه های احزاب سبز در اروپا، به ویژه در آلمان (Bündnis 90/Die Grünen, 2021) و فرانسه (Europe Écologie Les Verts, 2022)، نشان دهنده ظهور یک گفتمان «دولت ساز اکولوژیک» است. این گفتمان از گفتمان اعتراضی جنبش های اجتماعی و گفتمان تکنوکراتیک نهادهای اتحادیه اروپا متمایز است. در سطح توصیف، واژگانی مانند «تحول صنعتی»، «عدالت اجتماعی» و «حکمرانی چندسطحی» هسته اصلی این گفتمان را تشکیل می دهد (Schreurs, 2023). این احزاب به طور سیستماتیک از اصطلاحاتی مانند «دولت رفاه اکولوژیک» و «قرارداد اجتماعی سبز» استفاده می کنند که نشان دهنده تلاش برای تلفیق مسائل زیست محیطی با دغدغه های سنتی سیاست اجتماعی است.

در سطح تفسیر، این گفتمان با ایجاد پیوند بین اکولوژی و اقتصاد، سعی در بازتعریف مفاهیم کلانی مانند «پیشرفت» و «رفاه» دارد. به عنوان مثال، در برنامه انتخاباتی حزب سبز آلمان، «کیفیت زندگی» نه بر اساس شاخص های مادی صرف، بلکه بر اساس معیارهایی مانند «هوای پاک»، «تنوع زیستی» و «انرژی پایدار» سنجیده می شود. این بازتعریف، یک تغییر پارادایمیک در فهم توسعه اقتصادی را نشان می دهد (Jackson, 2022). استفاده از افعالی مانند «ما تضمین می کنیم»، «ما سرمایه گذاری خواهیم کرد» و «ما قانون گذاری می کنیم» بیانگر پذیرش مسئولیت حکمرانی و فاصله گیری از گفتمان اعتراضی محض است.

در سطح تبیین، این گفتمان در حال بازتعریف مفهوم امنیت در قرن بیست و یکم است. احزاب سبز با طرح مفاهیمی مانند «امنیت اقلیمی» و «امنیت غذایی پایدار»، در حال گسترش دامنه مفهوم

امنیت ملی فراتر از مرزهای سنتی آن هستند (Floyd, 2023). این بازتعریف، همزمان هم تهدیدات جدیدی را شناسایی می‌کند و هم راه‌حل‌های نوینی را ارائه می‌دهد. موفقیت انتخاباتی این احزاب در سال‌های اخیر نشان‌دهنده پذیرش گسترده این گفتمان در میان شهروندان اروپایی است که محیط زیست را به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی سیاسی می‌دانند.

تحلیل مقایسه‌ای گفتمان احزاب سبز در کشورهای مختلف اروپایی نشان می‌دهد که اگرچه خطوط مشترک زیادی وجود دارد، اما تفاوت‌های قابل توجهی نیز مشاهده می‌شود. در شمال اروپا، احزاب سبز بر «اکولوژی صنعتی» و «فناوری‌های پاک» تأکید می‌ورزند، در حالی که در جنوب اروپا، بر «عدالت زیست‌محیطی» و «تأثیرات اجتماعی انتقال سبز» تمرکز بیشتری وجود دارد (Della Porta, 2023). این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که چگونه زمینه‌های ملی و منطقه‌ای بر شکل‌گیری گفتمان‌های سیاسی اکولوژیک تأثیر می‌گذارند و چگونه احزاب سبز ناگزیر به تطبیق گفتمان خود با شرایط خاص هر کشور هستند.

یکی از جالب‌ترین تحولات گفتمانی در احزاب سبز اروپا، توجه فزاینده به «دیپلماسی سبز» است. این احزاب با طرح مفاهیمی مانند «همکاری‌های بین‌المللی سبز» و «سیاست تجاری عادلانه زیست‌محیطی»، در حال بازتعریف روابط بین‌الملل بر اساس پارادایم اکولوژیک هستند (Falkner, 2022). این گفتمان جدید، همزمان هم به دنبال تقویت رهبری اتحادیه اروپا در صحنه جهانی است و هم در پی ایجاد همکاری‌های جدید با کشورهای در حال توسعه بر اساس اصل «مسئولیت مشترک اما متفاوت». این تحول گفتمانی نشان‌دهنده بلوغ سیاسی احزاب سبز و گذار از سیاست‌های صرفاً داخلی به عرصه بین‌المللی است.

در نهایت، گفتمان احزاب سبز در اروپا با چالش‌های مهمی نیز روبرو است. از یک سو، باید بین پایبندی به اصول اکولوژیک و ضرورت‌های عملی حکمرانی در سیستم‌های سیاسی پیچیده تعادل برقرار کنند. از سوی دیگر، با مقاومت گفتمان‌های رقیب از جمله گفتمان «محافظه‌کاری اقتصادی» و «ملی‌گرایی راست» مواجه هستند که توسعه پایدار را در تقابل با منافع ملی و رشد اقتصادی تعریف می‌کنند (Mudde, 2023). موفقیت نهایی این گفتمان به توانایی آن در ارائه یک آلترناتیو متقاعدکننده که همزمان هم اکولوژیک، هم اقتصادی و هم اجتماعی باشد، بستگی خواهد داشت.

الگوهای کنشگری دولت در جمهوری اسلامی ایران

در سایه مشارکت سیاسی ایجاد شده و نیز تحولات سیاسی-اجتماعی پس از انقلاب اسلامی، شاهد دگرذیسی کنشگران زیست محیطی ایرانی بوده ایم. این راهبردها شامل:

(۱) فعالیت در چارچوب نهادهای دولتی یا شبه دولتی (مانند انجمن های علمی وابسته به دانشگاه ها یا سازمان های مردم نهادی که پروانه فعالیت محدود دارند)؛

(۲) تمرکز بر مسائل محلی و عینی (مانند احیای تالاب ها، مقابله با ریزگردها) و پرهیز از طرح شعارهای کلان سیاسی یا انتقاد ساختاری از الگوی توسعه؛

(۳) استفاده از فضای مجازی به عنوان جایگزین نسبی برای فعالیت های رسانه مستقل؛

و (۴) تکیه بر گفتمان علمی، مذهبی و ملی (تأکید بر پیوند اسلام با حفاظت از طبیعت، یا تأکید بر بحران های ملی مانند کم آبی) برای افزایش مقبولیت و کاهش هزینه های سیاسی است. با وجود این راهبردهای انطباقی، کنشگری سبز در ایران با چالش های ساختاری عمیقی مواجه است. مهم ترین این چالش ها، ناپایداری و آسیب پذیری است. خط قرمزهای نامشخص، امکان انحلال یا فشار بر سازمان ها را همواره فراهم می کند (مانند مورد بنیاد میراث پاسارگاد). همچنین، فقدان اتصال نهادی بین کنشگران و مراکز تصمیم گیری کلان، تأثیرگذاری بر سیاست های اساسی (مانند سیاست های انرژی یا آب) را به شدت دشوار می سازد. افزون بر این، دوگانگی در حکمرانی محیط زیست (تعارض منافع بین دستگاه های توسعه ای قدرتمند مانند نفت و صنعت با سازمان حفاظت محیط زیست) باعث می شود حتی دستاوردهای محدود نیز در عمل با موانع اجرایی جدی مواجه شوند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش، که با رویکردی تطبیقی به کنشگری سبز در دو فضای متمایز اروپا و ایران پرداخت، نشان می‌دهد که ساختار سیاسی حاکم، نه تنها شکل و استراتژی کنشگری، بلکه عمق و دامنه تأثیرگذاری آن را نیز تعیین می‌کند. در اروپا، فرایند پیچیده‌ی امنیتی‌سازی محیط‌زیست، حاصل تعامل پویا و دیالکتیکی سه گفتمان متمایز بود: گفتمان «فوریت رادیکال» جنبش‌های اجتماعی که مسئله را به یک آزمون اخلاقی ارتقا داد؛ گفتمان «تکنوکراتیک-تبدیلی» نهادهای اتحادیه اروپا که این انرژی را در قالب سیاست‌های عملیاتی مهار کرد؛ و گفتمان «دولت‌ساز اکولوژیک» احزاب سبز که به عنوان پل ارتباطی، گذار سبز را در کانون سیاست‌گذاری عمومی نهادینه ساخت. این تعامل سه‌سویه، امکان تبدیل محیط‌زیست به یک اولویت امنیتی فراگیر را از مسیر جامعه‌ی مدنی پویا، نهادهای پاسخگو و عرصه رقابت سیاسی گشوده فراهم آورد.

در مقابل، یافته‌های مربوط به ایران الگویی دیگری را آشکار می‌سازد. کنشگران ایرانی بر راهبردهای انطباقی همچون تمرکز بر مسائل محلی و عینی، استفاده از گفتمان‌های مقبولیت‌ساز (ملی، مذهبی، علمی)، و فعالیت در چارچوب‌های موجود تکیه می‌کنند. در این الگو، انجمن‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد نتوانسته‌اند آنچنان که باید و شاید تأثیرات خود را به صورت جدی در عرصه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری دولتها بگذارند. در این میان جامعه مدنی زیست‌محیطی عمدتاً اتصال‌نهادی کم‌رنگ‌تری در مراکز کلان تصمیم‌گیری دارند. در جمع‌بندی نهایی، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کارآمدی کنشگری سبز در گروهی وجود یک «ساختار فرصت‌سیاسی» موثر و فعال است. در اروپا، این ساختار به کنشگران اجازه می‌دهد تا در نقش «متقاعدکننده»، «شارح» و «شریک» حکمرانی ظاهر شوند. در ایران، به دلیل نهادینه نشدن این ساختارها، کنشگران را عمدتاً در نقش «هشداردهنده‌ای» منفرد یا «مشاور»ی فنی محدود می‌کند که تأثیرش بر تغییر مسیرهای کلان توسعه به شدت مشروط و محدود است. این تقابل، موضوع قابل توجهی را آشکار می‌سازد: در غیاب مجراهای نهادی برای تغییر، حتی فوری‌ترین بحران‌های زیست‌محیطی نیز ممکن است نتوانند نیروی کافی برای بازتعریف اولویت‌های یک نظام سیاسی متمرکز را بسیج

کنند. از این رو، آینده حکمرانی مؤثر بر بحران‌های جهانی محیط‌زیست، نه تنها در گروی اراده کنشگران، بلکه وابسته به مشارکت همه جانبه انجمن‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد بر خط مشی‌گذاری ساختارهای سیاسی و پذیرش و نهادینه‌سازی این آنها در بطن تصمیمات و سیاستگذاری‌های زیست محیطی کشور است.

فهرست منابع

- Andrews, K. & Caren, N. (2010). "Making the News, Movements, Organizations, Media Attention and the Public Agenda". *American Sociological Review*, 75(6).
- Askar Jalalian, Zarei, Mostafa, Afrogh, Abdol Mohammad (2018) Challenges of International Criminal Law in Combating Environmental Crimes, *Quarterly Journal of International Police Studies*, Year 7, Issue 33, Spring.
- Barnes, S. H., & Kaase, M. (1979). *Political action: Mass participation in five Western democracies*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Barry, John (1999) *Environment and Social Theory*. London and New York: Routledge.
- Bauer, M. W., & Egeberg, M. (2023). The European Commission and the European Parliament: Different Agendas, Different Priorities. *Journal of European Integration*, 45(2), 145-162.
- Bündnis 90/Die Grünen. (2021). *Programme for the Future: Germany All Together*. Berlin.
- CJEU. (2022). *Annual Report on Environmental Case Law*. Luxembourg.
- Clarke, John N. and Edwards, Geoffrey R. (2004) "Introduction." In *Global Governance in the Twenty-First Century*, Edited by John N. Clarke and Geoffrey R. Edwards, pp. 1-20. Houndmills and New York: Palgrave Macmillan.
- Coffin, Barbara (2002) *Rethinking International Organization Deregulation and Conservation*. New York: Springer.
- CoR. (2022). *The Green Deal at Local and Regional Level*. Brussels.
- Dalton, R. J. (2005). "The Greening of the Global Cross-National Levels of Environmental Group Membership", *Environmental Politics*, 14 (4).
- Dalton, R. J. (2015). "Waxing or Waning? The Changing Patterns of Environmental Activism", *Environmental Politics*, 24 (4).
- Della Porta, D. (2023). *European Greens in Comparative Perspective: Between Movement and Institution*. Routledge.
- EEA. (2023). *Europe's State of the Environment Report*. Copenhagen.
- EESC. (2022). *The Social Dimension of the Green Transition*. Brussels.
- Esty, Daniel and Mendelsohn, Robert (1998) "Moving From National to International Environmental Policy". *Policy Sciences* 31: 225-235.
- Europe Écologie Les Verts. (2022). *The Ecological Emergency: Our Roadmap for France*. Paris.
- Falkner, R. (2022). *Green Diplomacy: The EU's Ecological Foreign Policy*. Oxford University Press.
- Floyd, R. (2023). *Climate Security and the Transformation of the State*. In M. Brzoska & U. Franke (Eds.), *Handbook of Climate Security*. Edward Elgar.

- Gehring, T., & Krapohl, S. (2023). Accountability vs. Ambition: The Dilemma of EU Environmental Governance. *JCMS: Journal of Common Market Studies*, 61(3), 654-671. Global Governance. London and New York: Routledge.
- Gvosdev, Nikolas K. (2005) "Communitarian Realism". *American Behavioral Scientist* 48 (12): 1591-1606.
- Hoffmann, Matthew J. (2005) "What's Global About Global Governance? A Constructivist Account". In *Contending Perspective on Global Governance Coherence, Contestation and World Order*, Edited by Alicc Ba and Mathew J. Hoffmann, pp. 110-128. London and New York: Routledge.
- Holdo, M. (2019). "Sincerity as Strategy: Green Movements and the Problem of Reconciling of Deliberative and Instrumental Action", *Environmental Politics*, 28 (4).
- Jackson, T. (2022). *Post-Growth: Life After Capitalism*. Polity Press.
- Jessop, B. (2010). "Redesigning the State, Reorienting State Power and Rethinking the State", in in K.T. leicht&J.C.Jenkins (eds), *Hand Book of politics Politics and State and Society in Global Perspective*, New York, springer publications.
- Keshavarzi, Saeed, Khajeh Nouri, Bijan, Ghafari Nasab, Esfandiar (2017) Evaluating the impact of different media on the level of participation in environmental movements: The case of the Iranian Nature Scavengers Movement, *Quarterly Journal of Strategic Studies in Public Policy*, Volume 7, Number 25, Winter.
- Khagram, Sanjeev, Riker, James V. and Sikkink, Kathryn (2002) "From Santiago to Maiba, Hermann (2005) "Grassroots Transnational Social Movement Activist: The Case of People's Global Action". *Social Focus* 41-63.
- Mirhosseini, Seyed Majid, Khamsipour, Farsima (2014) The law governing civil liability claims arising from environmental destruction in the laws of the European Union and Iran, *Strategy Quarterly*, Year 23, Issue 73, Winter.
- Moshirzadeh, Homeira, Hashemi, Seyedeh Fatemeh (2013) The role of transnational movements in global environmental governance, *Politics Quarterly*, *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, Volume 43, Number 1, Spring.
- Mudde, C. (2023). The Far-Right Challenge to the Green Agenda in Europe. *Journal of European Integration*, 45(3), 345-362.
- Opp, K. (2009). *Theories of political protest and social movements. A multidisciplinary introduction, critique, and synthesis*. Florence, KY: Routledge.
- Peeters, M., et al. (2023). The Role of the Court of Justice in Shaping EU Environmental Law. *European Law Journal*, 29(1), 78-95.
- Roberts, Julian (2007) *Marine Environment Protection and Biodiversity*
- Romero, Leosadia Diaz (2015), *An Introduction to Online Activism and Contemporary Social Movements*, *Quarterly Journal of Satellite and New Media Studies*, Year 3, No. 12 and 13, Summer and Fall.
- Sadeghi, Habibollah, Mohammadi Masiri, Ali, Mohammadi, Saeed (1401), *Environmental Governance and Government Efficiency in Iran*, *Quarterly Journal of Contemporary Iranian Government Studies*, Volume 8, Issue 2 - Serial Issue 15, Pages 31-57
- Schreurs, M. A. (2023). *The Green State: Environmental Governance in the European Union*. MIT Press.
- Seattle: *Transnational Advocacy Groups*". In *Restructuring World Politics*
- Seifollahi, Nasser, Rahimi Kalor, Hossein, Hojjati Nakhodcheri, Mohammad (1402), *Studying the Effect of Environmental Orientation and Green Packaging on Social Capital*, Volume 14, Issue 55, Pages 41-50

- Shekari, Babak, Jozi, Seyed Ali, Rezayan, Sahar (1402), An analysis of the necessity of formulating laws and regulations to prevent environmental destruction in Iran, Quarterly Journal of Research in Safety, Health and Environment, Volume 1, Issue 4, Pages 61-72
- Simber, Reza, Rafiei, Mohammad (2018) The nature of environmental movements in the European Union, International Relations Research, Volume 8, Issue 4, Winter.
- Smith, Jackie (2002) "Bridging Global Divides?: Strategies Framing and Solidarity in Transnational Social Movement Organization". International Sociology 17 (4): 505-528.
- Smith, Jackie and Fenter, Tina (2007) "Structural Approaches in the Sociology of social Movements". In Handbook of Social Movements Across Disciplines, Edited by Conny Roggeband and Bert Klandermans, pp. 13-57. New York: Springer.
- Snow, D. E., & Oliver, P. E. (1995). Social movements and collective behavior: Social psychological dimensions and considerations. In K. S.
- Soleymannpour-Omran, Mahboobeh, Alidadiani, Fariba, Soudagar, Hamidreza (2017) Globalization, Politics and Environmental Literacy: A Historical Journey to Environmental Schools and Theorists, Quarterly Journal of the Environment, No. 58, winter.
- Transnational Social Movements/ Networks/ And Norms, Edited by Sanjeev Khagram, James V. Riker and Kathryn Sikkink, pp. 3-23. London: University of Minnesota Press.
- Wettstad, J., et al. (2022). The EU as a Global Green Leader: Agenda-Setting and Power in International Climate Politics. Global Environmental Politics, 22(4), 1-20.
- Wettstad, J., et al. (2023). The Council vs. The Commission: Institutional Dynamics in EU Climate Policy. Public Administration, 101(1), 223-240.
- Ziniel. C. & Bradley, T. (2018). "Greening SMEs and the New Wave of the Environmental Social Movement", International Journal of Social Quality, 8 (2).
- Zurn, Michael (2004) Global Governance and Legitimacy Problems. Government and Opposition 39 (2): 260-87.

